

همچنین وظیفه دولت این است که بسترها و امکانات را برای مشارکت و فعالیت همه مردم فراهم کرده و در عین حال، از افراد پُردرآمد مالیات اخذ کند تا عدم تعادل و نابرابری درآمدی ایجاد نشود. دولت در هر قسمتی که بخواهد وارد شود، برایش پُرهزینه و گران تمام می‌شود و همین موضوع، ناکارآمدی آن را به دنبال دارد. بنابراین، دولت باید مالکیت فردی را در کنار حمایت از کارآفرینان و مردم دنبال کند تا امکان پیشرفت و توسعه کارا فراهم شود. ■

هزینه‌های جاری دولت استفاده می‌شود و همین استفاده هم به درستی صورت نمی‌گیرد. در حقیقت، دولت و نهادهای بزرگ شبه دولتی عمده مالکیت را در اختیار خود دارند و چیزی از بخش خصوصی باقی نمانده است. خصوصی سازی فعلی هم به اعتقاد من نتایج معکوس داشته است. به طور مثال، دولت به مردم سهام عدالت واگذار کرده، اما امکان اداره آن را به آنها نداده است. همچنین سود این سهم از محل درآمد تعدادی شرکت زیان‌ده تأمین می‌شود که این موضوع نفعی به حال مردم ندارد.

کارکرد نهادها و فضای کسب و کار در ایران

در خلاء

تحلیل دکتر حسین راغفر، عضو هیأت علمی دانشگاه الزهراء، از فضای کسب و کار در کشور



بانک‌ها و استفاده طولانی مدت از این منابع، خود بهترین مؤید تبعیض آشکار نظام بانکی به زیان بخش خصوصی است. در بسیاری از موارد حتی در صورت ناتوانی بنگاه‌های دولتی از پرداخت اصل و فرع بدهی خود به نظام

بانکی، در خوشبینانه‌ترین وضعیت، دولت پرداخت اصل و فرع دیون بنگاه‌های دولتی را به بانک‌ها از منابع نفتی متقبل شده است، در حالی که یک بنگاه بخش خصوصی در شرایطی مشابه با جریمه‌های دیرکرد و خطر مصادره شدن روبه‌رو است و تقریباً هیچ سازوکار نهادی دیگری برای کمک به بنگاه‌های دچار بحران وجود ندارد.

سیاست‌های دولت در حمایت از فعالیت‌های ضد تولیدی واسطه‌گری، ضربه بزرگی به تولید کشور و تولید بخش خصوصی به طور خاص وارد آورده‌اند. ظاهراً واردات بی‌رویه و سیاست‌های اعطای تبعیضی اعتبارات بانکی، ضربه‌های کافی برای تعطیل تولید در کشور نبوده‌اند. امروزه بسیاری از صنایع پُرسابقه کشور با اخراج نیروی کار خود و با حفظ حداقل ظرفیت‌های تولید در داخل، تولید اصلی خود را به چین منتقل کرده‌اند و پس از تولید در آن کشور، با مهر ساخت ایران این کالاها را به داخل صادر می‌کنند و به نام کالای ایرانی در داخل به فروش می‌رسانند. آیا می‌توان پذیرفت که این همه مشکل و درد طاقت‌فرسا، بدون موافقت دولت و حمایت نهاد‌های دولتی صورت می‌پذیرند؟

نظام مالیاتی نیز همسو با سایر نهادها، عمده بار مالیاتی را بر گرده بخش خصوصی قرار داده و این در حالی است که مالیات‌های معوق شرکت‌های دولتی به سرنوشت بدهی‌های این شرکت‌ها به بانک‌ها دچار شده‌اند. دغدغه نظام گمرکی باید تسهیل فعالیت‌های اقتصادی در داخل باشد، نه ایجاد تسهیلات برای انحصارهایی که از رانت‌های مختلف سیاسی و اقتصادی برای حفظ انحصاری فعالیت‌های بزرگ اقتصادی بهره می‌برند. تغییرات شدید و ناگهانی تعرفه‌ها، بارها و بارها نه تنها منجر به انباشت درآمدهای عظیم باد آورده برای این انحصارها شده، بلکه این شایبه را در میان فعالان بخش خصوصی مستهلک تقویت کرده که این نوسانات غیرمنتظره در تعرفه‌ها، مشخصاً با همین هدف عملی می‌شوند.

سیاست‌های التهاب‌زا

تأمین اجتماعی که قرار است امنیت خاطر نیروی کار را فراهم آورد و به فضای کسب و کار کشور رونق بدهد، خود تبدیل به یک مانع در محیط کسب و کار شده است. هزینه‌های فزاینده این دستگاه از یک سو و مداخلات بیش از اندازه دولت در اداره این نهاد عمومی غیردولتی از سوی دیگر، عملاً مشارکت سه جانبه دولت، کارفرما و کارگر را مختل کرده است. این هزینه‌های فزاینده و بدهی‌های متراکم دولت به این صندوق که تا پایان سال ۸۱

عوامل متعددی بر محیط کسب و کار در ایران تأثیرگذارند که از جمله مهمترین آنها می‌توان به قوانین کار در کشور که با هدف تنظیم روابط بین کارفرما و کارگزار وضع شده‌اند، اشاره کرد. یکی از کارکردهای قانون کار باید توزیع عادلانه مخاطرات قراردادهای کار بین کارفرما و کارگزار باشد، به گونه‌ای که هزینه‌های مخاطرات به نسبت منصفانه‌ای بین آنها توزیع شده و در عین حال، طرف‌های قرارداد انگیزه لازم را برای ارایه حداکثر تلاش و همکاری داشته باشند. مؤلفه مهم و تأثیرگذار دیگر، قوانین تجارت در کشور هستند که از جمله اهداف آنها فراهم آوردن فضای رقابت عادلانه بین فعالان اقتصادی و تضمین حقوق طرف‌های درگیر در امر تجارت است. کارکرد نظام بانکی، مؤلفه مهم دیگری است که به فضای کسب و کار در کشور شکل می‌دهد. یکی از اصلی‌ترین اهداف نظام بانکی در یک کشور، فراهم آوردن منابع سرمایه‌گذاری برای طرح‌های اقتصادی است. ارایه تسهیلات و اعتبارات بر اساس ارزیابی‌های هزینه-فایده طرح‌ها در یک فضای رقابتی، عامل مهمی در رونق فضای کسب و کار کشور محسوب می‌شود. وجود یک نظام کارآمد و کارساز گمرکی از دیگر عوامل اصلی تأثیرگذار بر فضای کسب و کار است. این نظام می‌تواند مستقل از منافع گروه‌های پُرنفوذ اقتصادی و سیاسی، تعرفه‌ها را به نحوی طراحی کند که ماحصل آن، رشد تولید در بخش‌های مختلف اقتصاد ملی باشد. وجود یک نظام تأمین اجتماعی کارآمد، عامل دیگری است که نه تنها می‌تواند به رونق فضای کسب و کار کشور کمک شایانی کند، بلکه خود بزرگترین منتفع رونق اقتصادی و افزایش سطح اشتغال در کشور است. به همه این موارد باید وجود دولتی چابک، کارآمد و نگران وضعیت فعالان اقتصادی را به عنوان شرط لازم برای کارکردهای مؤثر مجموعه این نهادها در شکل‌بخشی به فضای کسب و کار اضافه کرد.

مانعی به نام دولت

مروری کوتاه بر کارکردهای هر یک از این نهادها در اقتصاد ایران طی پنج سال گذشته، خود مبین دلایل رکود تورمی کنونی کشور است. از نقش دولت آغاز می‌کنیم. دولتی بیش از اندازه بزرگ، با دیوان سالاری بسیار پیچیده، درگیر رانت‌های درآمدی نفتی و فساد اداری، با سیاست‌های ناپایدار و فاقد پشتوانه‌های کارشناسی و شدیداً متأثر از منافع گروه‌های پُرنفوذ سیاسی، تقریباً خود توضیح کافی برای رکود اقتصاد کشور است. در چنین فضایی که همه سیاست‌ها در خدمت منافع گروه‌های قلیلی شکل می‌گیرند، بخش خصوصی قربانی تبعیض‌های گوناگونی است که امکان تداوم فعالیت را با چشم‌انداز روشنی در آینده نزدیک ناممکن می‌سازد. نظام بانکی، به عنوان بزرگترین تأمین کننده منابع مالی سرمایه‌گذاری‌های بنگاه‌های اقتصادی، توزیع اعتبارات را بسیار تبعیض آمیز و به نفع گروه‌های نزدیک به ساختار قدرت و بنگاه‌های دولتی انجام داده و این امر به تنهایی کافی است تا فرصت رقابت منصفانه از بخش خصوصی سلب شود. حجم انبوه بدهی‌های معوق بنگاه‌های دولتی به

تهیه کرده و قرار بوده این طرح را از مدت‌ها قبل به اجرا درآورد، در نیمه دوم خرداد ۸۹ اعلام می‌کند که آیین نامه تخصیص منابع حاصل از افزایش قیمت حامل‌های انرژی را بین بنگاه‌های درون صنعت در نیمه دوم این ماه تهیه کرده و آماده تقدیم به هیأت دولت است. آیا پیامی که از همین خبر به بخش خصوصی منتقل می‌شود این نیست که ادعاهای قبلی مبنی بر تنظیم جامع طرح هدفمند کردن، مبتنی بر هزاران ساعت کار کارشناسی، جدی نبوده و در این صورت چه دلیلی برای پذیرفتن ادعای کنونی وجود دارد؟ آیا این نگرانی که اجرای جانبدارانه این طرح می‌تواند به تعطیلی بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی بی‌انجامد، نباید موجب نگرانی فعالان اقتصادی مستقل در کشور باشد؟ آیا دولتی که ظرف پنج سال گذشته بارها شرط بی‌طرفی را نقض کرده، هنوز می‌تواند انتظار داشته باشد که اعتماد بخش خصوصی را برای توزیع بی‌طرف و منصفانه منابع یارانه‌ای در اجرای این طرح جلب کرده است؟ این ابهامات، اصلی‌ترین چالش‌های اصلاح فضای کسب و کار در ایران هستند. ■

بالغ بر ۱۹ هزار میلیارد تومان بوده، همراه با اختیارات بسیار گسترده مجریان آن در تفسیر قوانین، هزینه‌های فعالیت‌های اقتصادی را به شدت افزایش داده‌اند که این خود رقابت‌پذیری فعالیت‌های اقتصادی را در داخل مشکل‌تر می‌کند. افزایش درآمدهای این صندوق از طریق افزایش هزینه‌های فعالیت‌های اقتصادی، نه تنها از جمله عوامل مؤثر در بالا رفتن تورم در کشور است، بلکه حتی آسیبی جدی برای اشتغال کشور محسوب می‌شود که این آسیب بیش از همه متوجه منابع صندوق تأمین اجتماعی است. از جمله عوامل دیگری که فضای کسب و کار کشور را ملتهب کرده، اجرای سیاست‌های موسوم به هدفمند کردن یارانه‌ها است.

آیا می‌توان از دولت در اجرای طرح آزاد سازی قیمت‌ها موسوم به هدفمندی یارانه‌ها و توزیع منصفانه منابع حاصل از افزایش قیمت‌ها بین بنگاه‌های بخش خصوصی و دولتی انتظار رفتار بی‌طرفانه داشت؟ دولتی که حداقل دو سال است مدعی شده طرح کامل و جامع به اصطلاح هدفمند کردن را با هزاران ساعت تلاش کارشناسی

جهانی شدن و چالش‌های اقتصاد ایران

دهکده‌ای به پهنای جهان

موانع ورود ایران به سازمان تجارت جهانی از نگاه دکتر میرقاسم مؤمنی، رییس مؤسسه چشم‌انداز ابرار نوین



مسیر طولانی ایران

اگر چه فرآیند جهانی شدن حرکتی فراگیر است، اما بازرزترین مصداق‌ها و نمودهای این فرآیند به حوزه اقتصاد اختصاص دارند. جهانی

با توجه به آماده نبودن زیربنای اقتصادی کشور ما و ضعف حاکم بر فرآیندهای اقتصادی (از اشکالات وارده به فضای کسب و کار، تولید و بخش خصوصی گرفته تا مسایل سیاستی و معضلات آزادی اقتصادی از جنبه‌های تعرفه‌ای و یارانه‌ای) باید گفت مشکلات فراوانی را در عرصه جهانی شدن خواهیم داشت که این مشکلات، علاوه بر ضعف بنیادین اقتصاد کشور، مانع از تحقق اهداف جهانی سازی می‌شوند. مشکلات حاکم بر روابط ایران با برخی کشورهای دنیا، شرایط را برای توسعه اقتصادی کشور و رفع نیازهای اقتصادی و الزامات جهانی شدن محدود می‌سازند.

جهانی شدن و فرهنگ

در عرصه فرهنگ نیز که شق دوم جهانی شدن است، این مقوله در ارتباط مستقیم با جهانی شدن اقتصاد و انقلاب در تکنولوژی قرار دارد، زیرا به واسطه این تحولات، جریان کالاهای فرهنگی سرعت خواهد یافت. در مباحث جهانی شدن فرهنگ، چالش‌های فراوانی میان صاحب‌نظران حاکم است. این که آیا توسعه فرهنگ جهانی بر مبنای اصول و فرهنگ‌های محلی می‌تواند مطرح باشد یا بر اساس توسعه یک فرهنگ جهانی مشترک. با توجه به تفاوت‌های اصولی و پایه‌ای فرهنگی کشورهای مختلف جهان، دستیابی به فرهنگ مشترک جهانی امری غیرممکن به نظر می‌رسد. این امر می‌تواند به اضمحلال فرهنگ‌های جزء و تغییرات فراوان مبنای فرهنگی بی‌انجامد. در حال حاضر در کشور ما یکی از چالش‌های اساسی در حوزه فرهنگ، واردات کالاهای فرهنگی و مشکلات ایدئولوژیک و ساختار نظام و فرهنگ اسلامی با برخی از این اقلام است، در حالی که در شرایط فرهنگ جهانی، کشورها و فرهنگ‌های گوناگون، ناگزیر از پذیرش فرهنگ‌های دیگر و ادغام ایده‌های مختلف هستند.

در حوزه سیاست هم که نتیجه جهانی شدن اقتصاد و فرهنگ است، برتری فرآیندهای جهانی و همچنین بازنگران غیردولتی چون سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و شبکه‌های فراحکومتی بر دولت‌ها از مهمترین وقایع پس از جهانی شدن هستند. در این شرایط، می‌توان ظهور نهادهای خصوصی را که نه دولتی هستند و نه مربوط به یک ملت خاص (مانند پزشکان بدون مرز یا غفو بین‌الملل) نشانه دیگری از جهانی شدن سیاست دانست.

شدن در بُعد اقتصادی از گستردگی، سرعت و عمق بیشتری برخوردار است و به دلیل اثرات بی‌واسطه و مستقیمی که در زندگی جوامع مختلف دارد، در بررسی مقوله جهانی شدن، دارای جایگاهی محوری است. این امر مبین این حقیقت است که عدم اصلاح ساختار اقتصادی کشور ما، پاشنه آشیل در فرآیند جهانی شدن است و با نگاهی به سؤالات فراوانی که جهان به خصوص در حوزه اقتصاد ایران با آن مواجه است، باید گفت راه درازی در پیش داریم. به علاوه، با توجه به سیاسی بودن اقتصاد ایران باید به این نکته اشاره کرد که در صورت ورود به میدان جهانی، این مدل روندی معکوس خواهد یافت، چرا که در حال حاضر، کشورهایی در دنیا حرف اول را می‌زنند که اقتصاد قوی تری دارند.

کشور ما به عنوان یک واحد اجتماعی در دنیای رو به جهانی شدن، به منظور دستیابی به جایگاهی مناسب، نیازمند برنامه‌ریزی و هدایت همه جانبه منابع اقتصادی و به عبارتی نیازمند شکل‌گیری عزم ملی است تا از این طریق بتواند سهم خود را به عنوان عنصری مؤثر در شکل دهی دنیای جهانی شده، ارتقا داده و بدین ترتیب منافع مردم را تأمین نماید.

در نهایت باید گفت جوهره جهانی شدن برای کشورهایی چون ایران بر مبنای فرآیند تولید کالا، هم‌ترازی و همسانی فناوری و هم‌زمانی تولید صنعتی شکل می‌گیرد. این امر نیازمند گام‌های مؤثری برای درک معنا، تدوین استراتژی‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مناسب به منظور دستیابی به مبنای توسعه جهانی و فراهم سازی شرایط مناسب ورود به دامنه‌ای به پهنای تمام جهان است. به هر حال، پروسه جهانی شدن خواسته یا ناخواسته اقتصاد کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای جلوگیری از اثرات سوء جهانی شدن و بهره‌مندی از منافع آن، باید ضمن بررسی و شناخت وضع فعلی اقتصاد کشور و جایگاه و رتبه جهانی آن، نسبت به تأمین منافع ملی و رفاه اقتصادی برنامه‌ریزی کرد. ■